



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

پشت صحنه توافق ننگین امارات عربی متحده با رژیم صهیونیستی



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرجان شریف زاده

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

- نکات برجسته ۲
- مقدمه ۳
- امارات؛ بن زاید و توافق آبراهام ۳
- نتایج و توافق آبراهام ۶
- ترامپ برنده واقعی توافق آبراهام ۷
- سخن آخر ۸
-



- حاکمان ریزکشورهایی در مقیاس امارات، که قدرت خود را به صورت صد درصد موروثی کسب کرده‌اند و فاقد هرگونه مشروعیت مردمی هستند، برای حفظ تاج و تخت، خود را ناگزیر از رشوه دادن به قدرت‌های دیگر می‌بینند.
- امارات نه مرز مشترکی با اراضی اشغالی دارد و نه به لحاظ اقتصادی در تنگنا و محدودیت است. برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، اقدام خائنانه‌ای بود که امارات هیچ نیازی به آن نداشت.
- ماحصل توافق موسوم به «آبراهام» برای سه طرف حاضر در آن عبارت است از: افزایش احتمال ابقای ترامپ در کاخ سفید، نجات نتانیاهو از مخمصه‌های بی‌شمار کنونی و رسوایی محض بن زاید در ازای هیچ
- خودزنی بن زاید به نفع ترامپ و نتانیاهو آنچنان با دستپاچگی انجام شده که نتوانسته تضمین‌های لازم را در این معامله شرم‌آور بگیرد و کم‌ترین دستاورد ملی برای کشورش کسب کند.
- طبق روایت بن زاید از توافق مذکور، توقف الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی، معوض عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است؛ ادعایی که بلافاصله نتانیاهو آن را در یک سخنرانی تلویزیونی رد کرد؛ ابوظبئی نهایتاً تأیید کرد که پیرامون طرح الحاق، هیچ ضمانتی از صهیونیست‌ها گرفته نشده است.
- برقراری مناسبات رسمی میان امارات و رژیم صهیونیستی، تنش در منطقه را با محوریت موضوع آرمان فلسطین، افزایش خواهد داد؛ بن زاید آشکارا خود را در معرض خشم مقاومت قرار داده و حضور رژیم صهیونیستی در امارات بر حساسیت‌های گروه‌های مقاومت خواهد افزود و فعالیت آنها را علیه نیروهای اشغالگر خارجی در منطقه، تشدید خواهد کرد.

□ مقدمه

«واشنگتن»، «ابوظبی» و «تل‌آویو» روز پنجشنبه ۲۳ مرداد (۱۳ آگوست ۲۰۲۰) در بیانیه مشترکی اعلام کردند که به توافق رسیده‌اند روابط عادی میان امارات و رژیم صهیونیستی به طور کامل برقرار گردد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در یک پیام توئیتری توافق مذکور را «توافق تاریخی» خوانده و نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز به‌عنوان «گام تاریخی» از آن یاد کرده است. «محمد بن زاید» ولیعهد ابوظبی و حاکم دوفاکتوی امارات نیز در پیامی توئیتری در این زمینه، ابتدا به گفتگوی تلفنی با ترامپ و نتانیاهو و توافق بر سر توقف طرح الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی اشاره کرد و پس از آن نوشت: «امارات و اسرائیل همچنین توافق کرده‌اند نقشه راه را برای راه‌اندازی همکاری‌های مشترک تنظیم کنند که منجر به روابط دو جانبه شود».

در حالی که مناسبات ننگین کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی مربوط به دیروز و امروز نیست؛ اما ذوق‌زدگی ترامپ و نتانیاهو در اعلام رسمی یا بهتر بگوییم قبح شکنی روابطی که سال‌هاست وجود داشته، و همچنین شرمساری ولیعهد امارات، در بیانیه‌ها و اظهاراتشان، در لفافه نیست و با نظری اجمالی به چشم می‌آید.

امارات کشوری است که برای اولین بار در جهان عرب اجازه داد سرود ملی صهیونیست‌ها در یک ورزشگاه این کشور نواخته شود. روزنامه صهیونیستی «ماریو» سال گذشته اعلام کرده بود که روابط پنهانی ابوظبی و تل‌آویو از ۱۵ سال پیش آغاز شده بوده است.^۱ سفرهای آشکار و نهان مقامات بلند پایه رسمی رژیم صهیونیستی به امارات از شمارش خارج است. دقیقاً یک سال پیش بود که «یسرائیل کاتس»، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی به ابوظبی سفر کرد^۲ و اندکی قبل از آن هم وزیر فرهنگ و ورزش این رژیم به طور رسمی به امارات رفته بود^۳؛ در همین ایام، تنها ظرف یک ماه، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی دو بار به امارات سفر و با «محمد بن زاید» ولی‌عهد این کشور دیدار کرده بود^۴. با این توضیحات، علت شوق و شغف آشکار ترامپ و نتانیاهو از اعلام این توافق شرم‌آور چیست و چرا سعی دارند آن را تحولی استراتژیک جلوه دهند؟ منافع طرفین از آشکارسازی این روابط شرم‌آور چیست؟ در نوشتار حاضر کوشیده‌ایم به این سؤالات پاسخ دهیم. این پژوهش به روش اسنادی و با بهره‌گیری از مقالات، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان، گزارش‌ها و خبرهای مندرج در روزنامه‌های رسمی و پایگاه‌های خبری تحلیلی معتبر داخلی و خارجی برگرفته شده است.

□ امارات؛ بن زاید و توافق آبراهام

رسمیت بخشیدن به مناسبات دوجانبه میان ابوظبی و تل‌آویو چندان دور از انتظار نبود؛ امارات عضو فعال کمیته چهارجانبه عربی^۵ است که اساساً یکی از اهداف و وظایف آن، فراهم آوردن مقدمات مذاکره صلح با رژیم صهیونیستی بوده است.

۱. روزنامه کیهان؛ ص آخر؛ (۱۳۹۹/۵/۲۵)

۲. ۱۱ تیرماه ۱۳۹۸

۳. هفتم آبان ۱۳۹۷

۴. اواخر سال ۲۰۱۸

۵. تشکیل شده از وزرای خارجه اردن، مصر، عربستان سعودی و امارات

روابطی که چند سال پیش یک مقام بلند پایه نظامی امارات، آن را برادرانه خوانده بود^۱، تعجبی ندارد اگر امروز رسمی اعلام شود. با اعلام برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، بن زاید به وضوح خود را سپر بلایی کرد که برای کشورش هیچ ضرورتی نداشت. امارات، هم به لحاظ اقتصادی و مالی دارای بنیه محکمی است، هم در عرصه خارجی، روابط مطلوبی با غرب دارد و علی‌الظاهر هم به لحاظ سیاسی، از ثبات و استقرار نسبی برخوردار است. البته بر این نکته باید تأمل داشت که حاکمان ریزکشورهای در مقیاس امارات، که قدرت خود را به صورت صد درصد موروثی کسب کرده‌اند و فاقد هرگونه مشروعیت مردمی هستند، برای حفظ تاج و تخت، خود را ناگزیر از رشوه دادن به قدرت‌های دیگر می‌بینند.

به دلایل ذیل می‌توان ادعا کرد که بن زاید، هیچ طرفی از توافق اخیر با رژیم صهیونیستی نبسته و آینده خطرناکی را برای کاخ شیشه‌ای امارات رقم زده است:

۱- روایتی که بن زاید از این توافق ارائه داده بود، چنین القا می‌کرد که گویی او تنها در قبال پایان دادن به طرح الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی، حاضر به عادی‌سازی روابط شده است؛ اما نتانیاهو بدون ذره‌ای ملاحظه، بلافاصله بعد از اعلام عادی‌سازی روابط، در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: "هیچ تغییری در نقشه من برای گسترش حق حاکمیت ملی به «یهودا و شومرون»^۲ با همکاری کامل ایالات متحده ایجاد نشده است". به این ترتیب تلاش مقامات امارات برای هزینه کردن فلسطینی‌ها و برجسته کردن نقش ابوظبی در توقف طرح ضمیمه کردن بخش‌هایی از کرانه غربی به اراضی اشغالی، خیلی زود خنثی شد. آمریکا نیز در این خصوص مداخله‌ای نخواهد کرد؛ به یاد داریم که مطابق پروژه «معامله قرن»، رژیم صهیونیستی این اختیار را از آمریکا گرفته که به هر نحو که می‌خواهد عمل کند. البته دولت امارات نهایتاً تأیید کرد که پیرامون طرح الحاق، هیچ ضمانتی از صهیونیست‌ها گرفته نشده است.^۳

تفاوت شرم‌آور توافق امارات و رژیم صهیونیستی با رویه مرسوم کشورهای عربی در موارد مشابه، که در آنها صلح صرفاً معوض و گذاری زمین از جانب اشغالگران میسر می‌شد، حتی به سرعت در رسانه‌های رژیم صهیونیستی بازتاب یافت و گفته شد که "این توافق، عملاً «صلح در مقابل صلح» بوده است"^۴. البته این فرضیه نیز مطرح است که در ابتدا معامله‌ای وجود داشته، اما اکنون صهیونیست‌ها دبه کرده‌اند.^۵

۲- این تصمیم امارات آن‌گونه که حاکمان این کشور ادعا دارند، صلح و امنیت منطقه‌ای را فراهم نخواهد آورد^۶، بلکه سبب افزایش تنش در منطقه با محوریت بحث آرمان فلسطین خواهد بود؛ بن زاید با این توافق آشکارا خود را در معرض خشم مقاومت، گروه‌های آن و حتی احتمال واکنش آنها قرار داده است. اتفاقاً امارات در تیررس گروه‌های مقاومت است و آسیب‌پذیری بیشتری از جانب آنها دارد. از زاویه دیگر حضور رژیم صهیونیستی (در ابعاد مختلف آن) در امارات نیز بر حساسیت‌های گروه‌های مقاومت خواهد افزود و فعالیت آنها را علیه نیروهای اشغالگر خارجی در منطقه، تشدید خواهد کرد. به نوشته

۱. «عبدالله محمد هاشمی»، نماینده وزارت دفاع امارات در گفتگو با رسانه نظامی آمریکایی «دفاع و هوا فضا» و در پاسخ به سؤالی گفته بود: «روابط دو دولت امارات و اسرائیل، مانند رابطه دو برادر است». منبع: روزنامه کیهان؛ (۱۳۹۶/۸/۳۰)

۲. کرانه غربی رود اردن

۳. خبرگزاری تسنیم؛ (۱۳۹۹/۵/۲۶)

۴. بی.بی.سی؛ (۱۳۹۹/۶/۱)

۵. خبرگزاری ایرنا؛ (۱۳۹۹/۵/۲۹)

۶. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب؛ (۱۳۹۹/۵/۲۹)

یکی از مطبوعات لبنان، "امارات اکنون یک هدف مشروع برای همه آزادی‌خواهان جهان است که این مطلب در مورد انصارالله یمن مصداق بیشتری دارد".^۱

از سوی دیگر، سایر کشورهای عربی منطقه که در نظر داشتند روابط خود را با رژیم صهیونیستی علنی کنند، با مشاهده تبعات و عواقب این تصمیم ابوظبی، در تصمیم خود، عمیق‌تر تدبیر خواهند کرد.

۳- باید توجه داشت که امارات متحده عربی متشکل از هفت امارت است و تصمیم برقراری مناسبات رسمی با رژیم صهیونیستی را ابوظبی گرفته و امیرنشین دبی را نیز با خود همراه کرده است؛ علی‌الظاهر در این زمینه با شش امارت دیگر اصلاً مشورتی نشده و آنها ناراضی هستند؛ به خصوص حاکم شارجه از این موضوع بسیار دلخور است و به نظر می‌رسد تصمیم بن زاید باعث ایجاد تفرقه بین آنها شده است.^۲

۴- ابوظبی مدعی شده که محدودیت‌های تسلیحاتی ابوظبی، در ازای عادی‌سازی روابط لغو شده و رژیم صهیونیستی دیگر مخالفتی با دسترسی امارات به سلاح‌های مدرن، به‌ویژه جنگنده‌های آمریکایی اف-۳۵ ندارد. این ادعا نیز بلافاصله از سوی رژیم صهیونیستی تکذیب شد و نتانیاهو بدون آنکه مراعات حال طرف اماراتی را بکند - که شاید برای مصرف داخلی به این توجیه نیاز داشته باشد - کلاً منکر هرگونه موافقت با برداشته شدن محدودیت‌های تسلیحاتی برای امارات شد.^۳

۵- محمد بن زاید حاکم دوفاکتوی امارات، با انجام توافق عادی‌سازی مناسبات با رژیم صهیونیستی، خود را در کنار منفورترین افراد در عرصه سیاست جهانی یعنی نتانیاهو و ترامپ قرار داد و به نوعی سرنوشت خود را به سرنوشت آنها گره زد؛ در حالی که این کار ضرورتی نداشت و او می‌توانست بدون انجام چنین اقدامی نیز سال‌ها حکومت کند، اما بن زاید با این اقدام خود را به سیاستمداری منفور تبدیل کرد.^۴ مضافاً آنکه منش سیاسی بن زاید، با پدرش «شیخ زاید» مقایسه می‌شود که رژیم صهیونیستی را دشمن می‌دانست و با خیانت به امت عرب و جهان اسلام و زیر پا گذاشتن ارزش‌های دینی و انسانی اصلاً موافق نبود.^۵

۶- به باور غالب تحلیل‌گران و افکار عمومی بین‌المللی، اقدام بن زاید کوششی برای انتخاب مجدد ترامپ در برابر «جو بایدن» بوده یا تحت فشار ترامپ عادی‌سازی روابط را در این مقطع زمانی اعلام کرده است؛ بر این اساس، احتمال دارد دموکرات‌ها در صورت پیروزی، از کشورهای عربی خلیج فارس بیشتر فاصله بگیرند.

۷- اقدام بن زاید علاوه بر خیانت به آرمان فلسطین و خنجر از پشت زدن به فسطینیان، پیمان‌شکنی با سایر کشورهای اسلامی و عربی نیز محسوب می‌شود. یکی از فلسفه‌های تشکیل «سازمان کنفرانس اسلامی» یا یکی از کارویژه‌های «اتحادیه عرب»، اساساً مبارزه با رژیم صهیونیستی، تلاش برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و مدیریت بحران‌ها در جهان اسلام

۱. دکتر «حسین رویوران» کارشناس مسائل منطقه؛ نشست کمیته کارشناسی جهان اسلام؛ (۱۳۹۹/۵/۲۶)

۲. دکتر «محمدعلی مهدی» کارشناس مسائل منطقه؛ نشست کمیته کارشناسی جهان اسلام؛ (۱۳۹۹/۵/۲۶)

۳. خبرگزاری ایرنا؛ (۱۳۹۹/۵/۲۹)

۴. گفتگوی خبرگزاری تسنیم با دکتر «هادی برهانی» استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران؛ (۱۳۹۹/۵/۲۵)

۵. دکتر «محمدعلی مهدی» کارشناس مسائل منطقه؛ نشست کمیته کارشناسی جهان اسلام؛ (۱۳۹۹/۵/۲۶)

و عرب بوده است که با این اقدام امارات به نظر می‌رسد علناً کارایی خود را از دست داده‌اند؛ یا طرح‌های صلحی همچون «ابتکار صلح عربی» عربستان سعودی که متمرکز بر تشکیل یک دولت فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی «بیت‌المقدس» در ازای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از سوی همه کشورهای عربی است، و هنوز هم مورد ابتدای کشورهای اتحادیه عرب بالاخص عربستان است، با تصمیم امارات به محاق رفته‌اند. حتی وزیر خارجه عربستان سعودی، در اولین واکنش رسمی به توافق امارات و رژیم صهیونیستی، وفاداری کشورش به مفاد طرح صلح اعراب را مورد تأکید قرار داد.^۱

جنبش «فتح» که نماد میانه‌روی فلسطینی است، در بیانیه‌ای به شدت به آن چه که «سازش امارات» خوانده تاخت و ادعا کرده که این توافقنامه، عدول امارات متحده عربی از «وظایف ملی، عربی و دینی» آن است.^۲

□ نتانیاو و توافق آبراهام

شخص نتانیاو (و نه رژیم صهیونیستی)، منتفع محض توافق موسوم به آبراهام است. در حقیقت نتانیاو، قبل از توافق با بن زاید، و به دلایل متعدد دیگر^۳، پروژه الحاق دره اردن و کرانه باختری باختری به اراضی اشغالی را به تعویق انداخته بود؛ اما اکنون با این دستاورد به خود می‌بالد که موفق شده به رسمیت شناخته شدن اسرائیل از جانب یک کشور عربی را بدون هیچ معوضی به چنگ آورد.

در تاریخ جعلی دولت‌های رژیم صهیونیستی، هیچ نخست‌وزیری به اندازه نتانیاو در مخمصه نبوده است:

۱- پرونده‌های سنگین قضایی او و همسرش با اتهاماتی همچون «دریافت رشوه»، «خیانت در امانت»، «اعمال نفوذ در رسانه‌ها» و «سوءاستفاده از اموال دولتی» سبب شده تا برای اولین بار، یک نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دوران صدارتش، مورد بازجویی و تحقیق قرار گیرد. حتی ترند به تعویق افتادن جلسات دادگاه بود که او را از ورطه سقوط نجات داد.

۲- نتانیاو در عرصه سیاسی نیز با مصائب زیادی رو بروست؛ دولت ائتلافی که او با مکافات بسیار، آن هم بعد از برگزاری سه انتخابات در کم‌تر از یک سال بالاخره توانست تشکیل دهد، اینک در مرز فروپاشی قرار دارد. برای نخستین بار جلسه هفتگی دولت در تاریخ یکشنبه ۱۹ مرداد به دلیل تشدید اختلافات سیاسی لغو شد^۴. میان دو حزب تشکیل دهنده دولت، بر سر تصویب بودجه بحران جدی ایجاد شده و چنانچه تا ۲۵ اگوست (۴ شهریور ۱۳۹۹) بودجه به تصویب نرسد، کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) باید منحل شود و پس از سه ماه، باز هم انتخابات سراسری برگزار شود.

۳- ناکارآمدی دولت نتانیاو به‌خصوص در زمینه بحران کرونا، از چند ماه پیش تاکنون، اعتراضات شدید و بلانقطاع شهروندان در اراضی اشغالی را برانگیخته و حتی انتقاد آشکار رئیس‌جمهور «رووین ریولین» از آشفتگی مدیریت بحران دولت نتانیاو را در پی داشته است. تظاهرات کنندگان خشمگین که در گروه‌های چند هزار نفری در مقابل اقامتگاه یا دفتر کار نتانیاو تجمع می‌کنند، به پرونده‌های قتلوفاسد اقتصادی نتانیاو، تعویق چندباره محاکمه او، رکود شدید اقتصادی،

۱. خبرگزاری تسنیم؛ (۱۳۹۹/۵/۲۹)

۲. بی.بی.سی؛ (۱۳۹۹/۵/۲۷)

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به پژوهش‌های خبری؛ RI-27637 و RI-27664

۴. جوان آنلاین؛ (۱۳۹۹/۵/۱۹)

بیکاری فزاینده، بحران امنیت و ترس و وحشت دائمی، بحران لاینحل سیاسی داخلی، ناکارآمدی دولت و ... اعتراض دارند و با شعارهای "تو فاسد هستی، ما از تو به سیر آمدیم" و "اخلاق کجاست" ... خواهان استعفای نتانیاها هستند^۱.

۴- اوضاع اقتصادی در سرزمین‌های اشغالی به خصوص بعد از شیوع کرونا آنچنان وخیم شده که ادامه مسیر نخست‌وزیری نتانیاها را با تردیدهای جدی مواجه کرده است. وزیر دارایی رژیم صهیونیستی در این زمینه می‌گوید: "...شرایط اقتصادی اسرائیل از زمان تشکیل این رژیم جعلی تاکنون، در سخت‌ترین وضعیت قرار دارد...". کاهش ارزش «شیکل» واحد پول رژیم صهیونیستی، افت ۷,۱ درصدی رشد اقتصادی و بیکاری یک سوم جمعیت^۲ در پی شیوع کرونا، ادامه زندگی در سرزمین‌های اشغالی را با دشواری بسیار مواجه کرده است.

با توجه به آنچه که گفته شد، برقراری مناسبات رسمی - و نه توافق صلح - با امارات، نیاز حیاتی نتانیاها بود؛ وگرنه اساساً عنوان توافق صلح برای دو دولتی که هیچ دشمنی با هم نداشته‌اند، مضحک به نظر می‌رسد. همان‌گونه که کارشناسان می‌گویند، چنین گام‌های نمادینی نه متضمن امنیت رژیم صهیونیستی، بلکه ضامن بقای شخص نتانیاها است.

□ ترامپ برنده واقعی توافق آبراهام

قریب به اتفاق تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها، دونالد ترامپ را برنده بی‌چون و چرای توافق «آبراهام» می‌دانند؛ تا جایی که این حرکت ترامپ را پیروزی قبل از انتخابات نوامبر برای او محسوب می‌کنند. قطعیت این فرضیه آنقدر است که حتی رسانه‌های غربی، تلاش‌های مشترک نتانیاها و محمد بن زاید در سال ۲۰۱۶ برای پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را یادآوری و توافق آبراهام را پرده دوم نمایش ۲۰۱۶ و ادامه همان تلاش‌های رهبران امارات و رژیم صهیونیستی برای انتخاب مجدد ترامپ برمی‌شمرند^۳.

۱- ترامپ به خاطر پر کردن کارنامه تهی خود در عرصه سیاست خارجی، شدیداً به یک پیروزی دیپلماتیک نادر نیازمند بود و به همین خاطر به گونه‌ای با موضوع برخورد کرد که گویی تحول استراتژیکی رخ داده؛ در حالی که این رابطه از مدت‌ها قبل وجود داشت و فقط بر روی کاغذ ثبت نشده بود. ترامپ می‌خواست «ایپک» را به خود بدهکار و ضمانت محکم‌تری از آنها دریافت کند تا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، بیشتر از او حمایت کنند و عقب ماندگی انتخاباتی او جبران شود.

۲- یهودیان ساکن آمریکا، تأثیر زیادی در تحولات داخلی آمریکا دارند و به رژیم اشغال‌گر قدس نیز اهمیت زیادی می‌دهند. اما در آمریکا یهودیان معمولاً به دموکرات‌ها رأی می‌دهند^۴؛ ترامپ توانسته با توافق آبراهام، آراء یهودیان حاضر در این کشور را با خود همراه و محبوبیت خود را در میان آنها افزایش دهد؛ محبوبیتی که پس از یک سلسله شکست در عرصه داخلی کاهش یافته بود.

۱. دویچه وله؛ 26.07.2020

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به پژوهش‌های خبری؛ RI-27665

۳. بی.بی.سی؛ (۱۳۹۹/۵/۲۷)

۴. روزنامه خراسان؛ ص ۳؛ (۱۳۹۹/۵/۲۵)

□ سخن آخر

آشکارسازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی نه اتفاقی تاریخی است و نه حائز اهمیت راهبردی؛ امارات کشوری است که مساحت کل آن، کمتر از مساحت استان تهران و جمعیتش حدود ۸ میلیون نفر است. به باور کارشناسان، امارات در یک کلام، کشوری مشتمل بر «چند بنگاه بزرگ اقتصادی» است. روی کاغذ آوردن مناسبات دو جانبه میان چنین موجودیتی با رژیم صهیونیستی، نه ارتباطی با مفهوم صلح تمام عیار بین اعراب و رژیم صهیونیستی دارد و نه نشانه‌ای از تحولی چشمگیر و استراتژیک در منطقه است.

مایه تأسف است که خودزنی بن زاید برای ابقای ترامپ در کاخ سفید یا نجات نتانیاهو از مخمصه‌های بی‌شمار، آنچنان با دستپاچگی انجام شده که نتوانسته به تضمین‌های لازم را در این معامله شرم‌آور بگیرد و کم‌ترین دستاورد ملی برای کشورش کسب کند. توافقی‌های خائنانه‌ای که پیش از این با رژیم صهیونیستی حاصل شده بود، دست‌کم یک معوض حداقلی داشت؛ اما امارات نه مرز مشترکی با اراضی اشغالی دارد و نه به لحاظ اقتصادی نیازمند کمک آمریکا یا رژیم صهیونیستی است که خود در گرداب مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی دست و پا می‌زنند. اما هم‌چنان که «سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان گفته است، چنین اتفاقاتی از آن حیث که نقاب از چهره منافقین برمی‌دارد، مدعیان دروغین را از حامیان واقعی آرمان فلسطین جدا می‌سازد و بر درستی اصول، ارزش‌ها و مواضع مقاومت صحنه می‌گذارد، خوب است.

تاریخ نشان خواهد داد آینده منطقه متعلق به محور مقاومت و ملت‌های منطقه است که در طول نسل‌های پیاپی، نفرت خود را علیه رژیم صهیونیستی و حامیان دور و نزدیک او انباشته کرده‌اند و کسانی که شیوه سازش خائنانه را در پیش گرفته‌اند، تیشه به ریشه خود می‌زنند.